

نقد تطبیقی سه سفرنامه معاصر ایران در سطح توصیف زبانی از الگوی فرکلاف

بهادر باقری*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۴

مژگان دیباج**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۲

چکیده

سفرنامه‌ها از جمله آثاری هستند که به دلیل جنبه‌های انتقادی، قابلیت تحلیل از دیدگاه گفتمان انتقادی را دارند. در الگوی سه سطحی تحلیل انتقادی گفتمان، متن در سه لایه بررسی می‌شود. سطح نخستین که به محور همنشینی و افقی کلام محدود است، واژگان و دستور زبان را در بر می‌گیرد و از طریق بررسی تکنیک‌های زبانی مد نظر فرکلاف می‌توان به ویژگی‌های سبکی و ایدئولوژیکی متن دست یافت. با توجه به این امر و در پاسخ به این پرسش که تکنیک‌های توصیفی زبان، کدامیک متأثر از ژانر اثر یا نماینده سبک شخصی و ایدئولوژی نویسنده است، پژوهش حاضر با بررسی سه سفرنامه معاصر به این نتایج مهم دست یافت که وجه فعل، فرایند فعلی و معلوم و مجهول بودن افعال، بیش از همه تحت تأثیر ژانر سفرنامه، کاربرد کمی و کیفی یافته و سایر ویژگی‌ها متأثر از سبک شخصی و در خدمت تبیین دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده است.

کلیدواژگان: اصفهان نصف جهان، صفیر سیمرغ، شازده حمام، فرکلاف.

مقدمه

در تعریف سفرنامه، نظرهای مختلفی ارائه شده است. برخی آن را زیرگونه خاطره‌نویسی دانسته‌اند که در آن روایت‌های خودزیست‌نگاری از مواجهه گوینده با داده‌های دور از دسترس و ناآشنا حاصل می‌شود و روایت با ارجاع دائمی به واقعیت، مدعی اعتبار واقعی و اصلی در لفظ و معنا می‌شود (فاسل، ۱۹۸۰: ۲۰۳). برخی معتقدند که سفرنامه‌نویسی نه تنها یک ژانر بلکه یک رویه از علم معانی و بیان است (کالزاتی، ۲۰۱۵: ۱۵۶-۱۵۴).

کهن‌ترین اسناد و مدارک در حوزه سفرنامه‌نویسی، ایران را مبدأ این رشته می‌دانند، زیرا نخستین سفرنامه به استناد تاریخ به دستور *داریوش اول هخامنشی* درباره رودخانه سند، خلیج فارس و دریای سرخ نگاشته شده است. ظاهراً از دوره‌های قبل از اسلام، سفرنامه‌ای در ایران در دست نیست اما در متن‌های فارسی میانه مانوی و فارسی میانه پهلوی، شرح مختصری از سفر وجود دارد و مسافرت‌های هیأت‌های مذهبی مانوی به خراسان، سفر برزویه طبیب به هند در دوره *نوئشیروان* در متن‌های پهلوی را می‌توان نوعی سفرنامه قلمداد کرد (احمدپناه، ۱۳۹۵: ۷۶).

از نمونه‌های کهن سفرنامه در ادبیات ایران می‌توان به سفرنامه *ناصرخسرو* و سفرنامه‌های منظوم *خاقانی* و *سعدی* اشاره کرد؛ اما نوشتن آن به صورت جدی در دوران صفوی آغاز شد و در دوران حکومت قاجاریان به اوج خود رسید. از آنجا که در بسیاری از این سفرنامه‌ها نویسندگان، دیدگاهی انتقادی نسبت به مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دارند، الگوی گفتمان انتقادی *فرکلاف*، نظریه مناسبی برای بررسی جنبه‌هایی شاخص از این تألیفات است.

نظریه تحلیل گفتمان که ریشه در زبان‌شناسی دارد و اصطلاح آن در سال ۱۹۵۲ نخستین بار، توسط *زلیک هریس* مطرح شده، از جمله نظریات برجسته ادبی است که امکان خوانشی تازه از متون را فراهم می‌کند. این نظریه توسط *فرکلاف*، تحت عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان»، مسیری تازه را در پیش گرفت. *فرکلاف* در رویکرد انتقادی خود در تلاش برای افشای ایدئولوژی‌های پنهان در متن، مخاطب و زمینه متن و نسبت این سه با یکدیگر است. از این دیدگاه، گفتمان، عملکردی اجتماعی است که طی آن، مناسبات قدرت، توسط دانش، هویت‌ها و روابط اجتماعی بازتولید می‌شود و تغییر می‌کند. از این دیدگاه، «گفتمان با «قدرت» و مناسبات

آن ارتباط تنگاتنگی دارد. گفتمان درواقع پدیدآورنده، پرورش دهنده، شکل دهنده و البته تغییردهنده و حتی منسوخ کننده قدرت است» (حسین پناهی، ۱۳۹۰: ۱۰۴). به عقیده فرکلاف «تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می کند» (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۸). فرکلاف برای اجرایی کردن نظریه خود بر روی متن، الگویی ارائه کرده که در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، به بررسی گفتمانها می پردازد و از این طریق ارتباط متن، قدرت و ایدئولوژی را بررسی و تبیین می کند. وی در طرح الگوی خود سه روش و سنت تحلیلی را ترکیب کرده که عبارتند از ۱. تحلیل فراگیر متن در میان بافت زبان شناسی (دستور زبان کاربردی هالییدی)؛ ۲. تحلیل عمل اجتماعی در زمینه کلان (نظریه فوکو)؛ ۳. تحلیل عمل اجتماعی در زمینه خرد (تحلیل مکالمه) (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۷). در بخش توصیف، فرکلاف، زبان اثر را در دو سطح واژگان و دستور زبان بررسی می کند و در هر سطح، سه گونه ارزش تجربی، رابطه ای و بیانی را مد نظر دارد. در بخش دستور زبان، علاوه بر سه گونه مذکور، ارزش های پیوندی نیز مورد توجه وی است.

با توجه به اهمیت و جایگاه سفرنامه در ارائه اطلاعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و دینی و برجستگی ایدئولوژی کنش گران از جمله نویسندگان و اجتماعات مختلف، سیاسی، دینی، فرهنگی و... به ویژه در مواجهه با قدرت حاکم، این ژانر قابلیت بررسی با الگوی فرکلاف را دارد، و از این روی در این مقاله از میان سفرنامه های معاصر، سه نمونه انتخاب و سطح توصیف زبانی در آنها بررسی خواهد شد. این سفرنامه ها عبارتند از:

۱. «اصفهان، نصف جهان» که صادق هدایت آن را در دوره پهلوی اول نوشته و در آن چهار نوشته از مؤلف به چاپ رسیده است. این اثر، شرح سفر و مشاهدات هدایت در سفری چهار روزه در دوران تحصیل به اصفهان است که در قالب تکلیفی درسی ارائه شده است.

۲. «صفر سیمرغ» که توسط محمدعلی اسلامی ندوشن و در دوره پهلوی دوم نگاشته شده، شرح سفرهای او به شهرها و کشورهای مختلف است که نخستین بار در سال ۱۳۴۹ در مجله یغما به چاپ رسید.

۳. «شازده حمام»، نوشته پایلی یزدی و متعلق به دوران معاصر است. این اثر، عنوان کتابی چهار جلدی است که خاطرات کودکی‌اش را در یزد دهه‌های ۳۰ و ۴۰ روایت می‌کند. این کتاب، اعتراض پنهان نویسنده به شرایط اقتصادی و فقر مردمانی است که در حسرت زندگی متوسط روزگار می‌گذرانند.

هدف از این پژوهش، دستیابی به پاسخ پرسش‌های زیر است:

- در آثار مورد بررسی، کدامیک از ویژگی‌های توصیف زبانی، متأثر از ژانر سفرنامه کاربرد یافته است؟
- در حوزه توصیف زبانی، سبک شخصی چه تأثیری بر نوع کاربرد تکنیک‌های واژگانی و دستوری دارد؟
- آیا ویژگی‌های زبانی، خدمتی در جهت گسترش و تبیین ایدئولوژی نویسنده در مواجهه با نظام قدرت دارد؟

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از روش جست‌وجوی کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. جامعه آماری و محدوده مطالعاتی این تحقیق شامل مجموعه سفرنامه‌های معاصر ایرانی در بازه زمانی سه دوره تاریخی پهلوی اول، پهلوی دوم و معاصر است.

پیشینه تحقیق

در حوزه ادبیات و دانش زبان‌شناسی، پژوهش‌های انجام شده بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان فرکلان را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد: ۱- مقالاتی که خود نظریه را بررسی کرده است که از جمله می‌توان به «زبان و جهانی شدن؛ نورمن فرکلان» نوشته سعیدنیا (۱۳۸۸)، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلان» نوشته محسنی (۱۳۹۱)، «تحلیل انتقادی گفتمان و ادبیات» نوشته آفاگل‌زاده (۱۳۸۶) و «زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلان» نوشته جهانگیری و بندرریگی‌زاده (۱۳۹۲) اشاره کرد. ۲- خوانش متون کهن فارسی با الگوی فرکلان، دسته دیگری از پژوهش‌ها با تعداد قابل ملاحظه است. از جمله این مقالات عبارت‌اند از «تحلیل انتقادی گفتمان داستان مرگ بونصر مشکان بر اساس رویکرد نورمن فرکلان» نوشته ناصری و

دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی تقابل حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی بر مبنای تحلیل گفتمان»، نوشته حسین پناهی (۱۳۹۰)، «تحلیل انتقادی گفتمان صوفیانه» نوشته فقیه ملک مرزبان و فردوسی (۱۳۹۳) و «روند بازنمایی هویت خودی و درگیری در تاریخ بیهقی» نوشته بیات و یوسفی (۱۳۹۴). ۳- دسته سوم که بر روی متون معاصر نوشته شده و برخی از نمونه‌های آن عبارت‌اند از مقاله «بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان ۱۳۸۴-۱۳۷۵» نوشته پرستش و ساسانی خواه (۱۳۸۹)، «روایت زنانه از جنگ؛ تحلیل انتقادی کتاب خاطرات دا»، نوشته جوادی یگانه و صفی (۱۳۹۲)، «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف» نوشته حدادی و دیگران (۱۳۹۱) و «تحلیل گفتمان سیاسی رمان تنگسیر صادق چوبک» نوشته احمدی و دیگران (۱۳۹۳) و «تحلیل گفتمان انتقادی شخصیت زنان در داستان مالیخولیای محبوب من» نوشته رحیمیان و محمدپور (۱۳۹۷). با وجود تنوع و تعدد پژوهش‌ها در این حوزه، تا کنون سفرنامه‌ها با رویکرد انتقادی فرکلاف و به گونه تطبیقی تحلیل نشده و از این روی پژوهش حاضر نمونه بدیعی در این زمینه است.

توصیف زبانی

فرکلاف توصیف زبانی را در دو سطح واژگان و دستور زبان بررسی می‌کند که هر یک، منتقل‌کننده ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی به مخاطب است.

۱. سطح واژگان

به عقیده فرکلاف در بررسی توصیف واژگانی هر متن باید به این سؤالات پاسخ داد:

- ۱- کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ بدین مفهوم که در طبقه‌بندی آن‌ها از کدام طرح استفاده شده است؟ آیا می‌توان از عبارت‌بندی دگرسان یا عبارت‌بندی افراطی سخن گفت؟ چه نوع روابط معنایی (هم معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک معنادار بین کلمات وجود دارد؟ ۲- کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ آیا عباراتی وجود دارند که دال بر حُسن تعبیر باشند؟ و اینکه آیا کلماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره‌ای باشند؟ ۳- کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی

هستند؟ ۴- در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟ (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۸۰-۱۷۰).

الف. ارزش‌های تجربی

این بخش شامل سه تکنیک طرح‌های واژگانی، روابط معنایی و عبارت‌بندی دگرسان و افراطی است.

الف. ۱. طرح‌های واژگانی

۱- اصفهان، نصف جهان: گفتمان موجود در سفرنامه اصفهان، نصف جهان، گفتمان «ناسیونالیسم باستان‌گرایانه» است. صادق هدایت در دوران پادشاهی رضاشاه، به شدت طرفدار گفتمان ناسیونالیسم باستان‌گرایانه است. «ناسیونالیستی که مبتنی بود بر یک دست‌سازی آمرانه ملیت‌ها و قوم‌ها، باستان‌گرایی، تأکید بر نژاد آریایی، تأکید بر زبان فارسی و از این قبیل» (بهیان، ۱۳۹۴: ۸۳). در واقع گفتمان ناسیونالیسم باستان‌گرایانه در آن دوران، گفتمان رایج و مسلط زمانه بود. این گفتمان دو مؤلفه عمده داشت: باستان‌گرایی و عرب‌ستیزی. طرفداران این گفتمان و از جمله صادق هدایت معتقد بودند که ایران باستان، باشکوه و پیشرفته بوده و پس از حمله اعراب، آن عظمت و شکوه از دست رفته است (مسکوب، ۱۳۷۳: ۱۱).

بررسی واژگان سفرنامه اصفهان، نصف جهان، ارزش‌های تجربی گفتمان ناسیونالیسم باستان‌گرایانه را در این اثر نشان می‌دهد. دو مؤلفه مهم گفتمان ناسیونالیسم باستان‌گرایانه - یعنی باستان‌گرایی و عرب‌ستیزی - در این کتاب به وضوح دیده می‌شود. هدایت بر اساس این مؤلفه‌ها تمامی هنرها را منسوب به ایرانی‌ها و دوره ساسانی می‌داند و اعراب را حقیرتر از آن می‌داند که به دنبال هنر باشند (هدایت، ۱۳۹۳: ۷۰).

«باور به اینکه فرقه‌های نژادی گروه‌های انسانی - که منشأ آن‌ها در ژن‌ها و وراثت نژادی است - اهمیت اساسی دارند و موجب اختلاف‌های فرهنگی و تاریخی جامعه‌ها و تمدن‌های بشری می‌شوند، و میان ویژگی‌های نژادی وراثتی گروه‌های بشری و درجه هوشمندی و آفرینندگی فرهنگی آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد» (آشوری، ۱۳۹۲: ۱۳۹۲).

۳۲۱). هدایت در سفرنامه خود، این باور نژادپرستانه را ترویج می‌دهد که نژاد ایرانی و آریایی، نژادی اصیل، باهوش، دارای ذوق و هنرمند و نژادعرب، نژادی پست و بی‌هنر است. بررسی طرح واژگان در سفرنامه هدایت، نشان‌دهنده یک طرح تقابلی و دو قطبی (مثبت و منفی) است که با کنش‌گران مثبت و منفی از دیدگاه مؤلف متناسب است و توصیف‌گر شخصیت، کنش، دیدگاه، ایدئولوژی، ویژگی‌های اجتماعی، روان‌شناختی و... ایشان است.

۲- صفیر سیمرغ: واژگان در این سفرنامه، حاوی ارزش‌های تجربی گفتمان ایران‌گرایانه، بومی‌گرایی، غرب‌شناسانه ضد غربی البته از نوع معقول آن است. گفتمان بومی‌گرایی در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش در ایران شکل گرفت. نظریه‌پردازان این گفتمان معتقد بودند که جهان غرب و سرمایه‌داری به دنبال از بین بردن ارزش‌های اصیل سنتی شرق هستند (بروجردی، ۱۳۹۶: ۲۰۳). طرح واژگانی در صفیر سیمرغ نیز یک طرح تقابلی است و ایدئولوژی نویسنده را به ویژه در مواجهه با مسائل فرهنگی و اجتماعی می‌نمایاند.

۳- شازده حمام: واژگان در این اثر، حاوی ارزش‌های تجربی گفتمان «تضاد بین سنت و مدرنیته» و خرده‌گفتمان‌های موجود بین آن‌هاست. پایلی یزدی در جلد سوم اثرش، گذار جامعه ایرانی از دوران سنت به مدرنیته و تضاد بین این دو شیوه زیست و تناقض‌های زندگی ایرانی‌ها در این دو سبک زندگی را بیان کرده است. البته او خود طرفدار مدرنیته بوده و همواره ناقد تناقض‌ها و تضادها است.

ب. ۱. عبارت‌بندی دگرسان و افراطی

منظور از عبارت‌بندی دگرسان این است که در یک متن، «عبارت‌بندی موجود مسلط و طبیعی شده به طور حساب‌شده‌ای جای خود را به عبارت‌بندی دیگری می‌دهد که در تقابل آگاهانه با آن قرار دارد» (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

۱- اصفهان، نصف جهان: در طبقه‌بندی واژگان سفرنامه اصفهان، نصف جهان از عبارت‌بندی دگرسان استفاده شده و نویسنده، شمار زیادی از واژگان هم‌معنا را در عبارت‌بندی‌ها به کار برده است تا عظمت ایران باستان و نژاد آریایی را نشان دهد:

«کم کم شهر اصفهان نمایان می‌شد: سبزه‌ها، درخت‌ها، باغ‌ها، کشتزار، برج کبوتر، کرت‌بندی، آبیاری، زمین، ماسه دروشده، کشاورزانی که در زیر آفتاب پهلوی یکدیگر ایستاده و زمین را زیر و رو می‌کردند، گل‌های خشخاش. در اولین وهله، اصفهان، شهر فلاحتی درجه اول به نظر می‌آید که فلاحت در آن از روی قاعده علمی و دقت کامل انجام می‌گیرد. همان طوری که در شهرهای فلاحتی اروپا دیده می‌شود. شاید اصفهان نمونه‌ای از آبادی‌های دوره ساسانیان را نشان می‌دهد و چنانکه در ایران باستان معمول بوده، رعیت اصفهان، کشاورزی را وظیفه مقدس خودش می‌داند» (هدایت، ۱۳۹۳: ۵۵).

در بند بالا نویسنده با واژگانی تقریباً هم معنا که مربوط به کشاورزی و آبادانی هستند، سعی دارد الگوی پیشرفت، آبادانی و کشاورزی امروزه اصفهان را به الگوی کشاورزی و پیشرفت ایران باستان و اروپا ربط بدهد.

۲- صفیر سیمرغ: در این اثر از عبارت‌بندی‌های دگرسان برای سرزنش تمدن صنعتی غرب و ستایش تمدن اصیل شرق استفاده شده است و برای مثال در بند «در این کوی به گذرنده چنین القا می‌شود که همه چیز در زندگی بر محور سکس می‌چرخد و بشر هنگامی که دیگر گرسنه نبود، هیچ فرضیه‌ای جدی‌تر و واجب‌تر از سکس‌ورزی برایش نیست؛ آن هم البته نه به آن صورت «ابتدایی» که بندگان خدا تا به امروز می‌شناختند، بلکه با تمهیدات و ساز و برگ و ریزه‌کاری‌هایی که گاهی آدم را به یاد کیمیاگران قدیم می‌اندازد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۷۱)، نویسنده در عبارت بندی‌هایی دگرسان از جنبه شهوانی تمدن صنعتی غرب انتقاد می‌کند.

۳- شازده حمام: این اثر از عبارت بندی‌های دگرسان برای سرزنش مردمی استفاده کرده که ابزار زندگی‌شان مدرن شده اما فرهنگ و افکارشان همچنان سنتی باقی مانده است. در این بند «می‌خواهم با ذکر دو سه خاطره از چند خانواده که ۶۰ سال است آن‌ها را می‌شناسم، حالت گذرا را نشان دهم. مردمانی که پولدار و پولدارتر می‌شوند. ابزارشان نو می‌شد ولی رفتار و اعمالشان و فرهنگشان؟ شاید موضوع خاطرات‌ام چنگی به دل نزند. ولی هدفم نشان دادن سرعت تحول در دستیابی به تکنولوژی و ابزار رفاهی و کندی تحول فرهنگی است. راستی چرا؟» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۲۰)، قضیه گذر از سنت به مدرنیته به اشکال و شیوه‌های مختلف و عبارات دگرسان مطرح شده است.

الف. ۳. روابط معنایی واژگانی

منظور از روابط معنایی واژگانی، شمول، تضاد و هم‌معنایی ایدئولوژیک واژگان است که در آثار مختلف، کارکرد خاص خود را متناسب با ژانر، سبک شخصی نویسنده و... می‌یابد.

۱- **اصفهان، نصف جهان:** روابط معنایی، کاربردی برجسته در سفرنامه هدایت دارد و او از این تکنیک برای ترویج گفتمان ناسیونالیسم باستان‌گرایانه استفاده کرده است: «مورچه خورت در قدیم شهر بزرگ و آبادی بوده و امروز به حال قریه خرابی درآمده است. هنوز ویرانه آبادی‌های پیشینش دیده می‌شود... این مورچه خورت خیلی قدیمی است. حالا خیلی کوچک شده، در قدیم تیول‌گودرز بوده. چون کیخسرو وقتی که به کمک گیو و گودرز و رستم به پادشاهی رسید، به هرکدام تیولی داد و اینجا به گودرز رسید و بعد از کیخسرو هر کدام از آن‌ها در زمین خودشان سلطنت داشتند و این اصل ملوک‌الطوایفی شد» (هدایت، ۱۳۹۳: ۵۴).

در بند بالا بین واژگان: «قدیم، امروز، بزرگ، کوچک، آبادی، خرابی، ویرانه» تضاد معنایی وجود دارد. واژگان «گودرز، کیخسرو، گیو، رستم» نیز شمول معنایی دارند. نویسنده با نام بردن از این افراد، حسرت نوستالوژیک خود را نسبت به پهلوانان و شاهان ایران باستان نشان می‌دهد. همچنین در این بند بین واژگان «پادشاهی، سلطنت، تیول، ملوک‌الطوایفی» هم‌معنایی وجود دارد. استفاده از روابط مختلف معنایی واژگانی در سفرنامه هدایت، کارکردی کاملاً روان‌شناختی دارد و تورم واژگانی ایجادشده توسط شمول یا هم‌معنایی، درنگ و تأمل مخاطب را بر متن سبب می‌شود و چالش ذهنی او را در پی دارد.

۲- **صفیر سیمرغ:** انواع روابط معنایی ایدئولوژیک در صفیر سیمرغ دیده می‌شود. برای مثال، نویسنده با استفاده از تضاد معنایی، سعی در اثبات زیبایی هنر اسلامی-ایرانی دارد: «رنگ آبی همه جا هست، در اختیار غنی و فقیر یکسان و بیش از هر رنگ دیگر ما را به طبیعت پیوند می‌دهد. در لابه لای آبی، رنگ‌های سفید و سیاه و زرد و حنایی به کار رفته است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۲۱۴).

۳- **شازده حمام:** انواع روابط معنایی ایدئولوژیک در این اثر دیده می‌شود. *پاپلی* یزدی با استفاده از تضاد معنایی، تضاد بین زندگی سنتی و مدرن را نشان داده است: «وقتی من از یزد به شهری بزرگ‌تر می‌رفتم، خانواده گسترده در حال فروپاشی بود. در آن سال فاصله غنی و فقیر داشت کم می‌شد. قشر متوسطی داشت پیدا می‌شد. کارمندان دولت داشتند اعتبار می‌یافتند. تورم کنترل شده بود. نرخ‌ها از سالی به سالی تغییر نمی‌کرد. آثار قحطی جنگ جهانی دوم داشت برطرف می‌شد. نه آن چنان قدرتمند که مردم آزار باشد و نه آن چنان ضعیف که نتواند امنیت را حفظ کند» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۲۰). انواع روابط معنایی در این اثر در خدمت انتقال معنا و بسط ایدئولوژی نویسنده به خدمت گرفته شده است.

ب. ارزش‌های رابطه‌ای

این بخش، معطوف به دو نکته است؛ اینکه چگونه انتخاب کلمات متن، بستگی به روابط اجتماعی بین مشارکین دارد و چگونه به ایجاد این روابط کمک می‌کند و در بررسی آن، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا عباراتی دال بر حسن تعبیر و کلمات رسمی یا محاوره‌ای وجود دارند؟ (فرکلاف: ۱۳۸۹: ۱۷۰ و ۱۷۸).

ب.۱. حسن تعبیر

در این تکنیک به منظور اجتناب از ارزش‌های منفی، یک واژه، جانشین واژه‌ای متعارف‌تر می‌شود.

۱- **اصفهان، نصف جهان:** این ویژگی واژگانی در سفرنامه *هدایت*، کاربردی نیافته و نویسنده در تمامی صفحات سفرنامه‌اش بدون توجه به ارزش‌گذاری واژگانی، برای انتقاد و تحقیر اعراب و مسلمانان از کلماتی با بار منفی شدید استفاده کرده است. برای مثال وی با ذکر واژگان منفی، عزاداری مسلمانان را این‌گونه مورد انتقاد قرار می‌دهد: «عزاداری یا مال مردم خیلی بی‌کار و یا خیلی خوش‌بخت است و در زندگی آن‌قدر کم تفریح هست که دیگر لازم نیست بیایم برای خودمان بدبختی‌های تازه‌ای بتراشیم» (هدایت، ۱۳۹۲: ۵۹).

در بند بالا نویسنده با واژگانی منفی، عزاداری‌های مسلمانان را مخصوص «مردم خیلی بی‌کار» می‌داند و این نوع عزاداری را در شمار «بدبختی» به حساب می‌آورد.

۲- **صفیر سیمرغ:** در این اثر، نمونه‌هایی از حسن تعبیر وجود دارد. برای مثال در بند «سوداگران سکس در کپنهاگ خوب دریافته‌اند که این قضیه خطیرتر از آن است که وقفه و فترتی در آن روا باشد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۷۱)، از واژه «سوداگران سکس» به جای تعبیر عامیانه آن استفاده کرده است.

۳- **شازده حمام:** در این اثر، در یک مورد مادر پاپلی یزدی از او می‌خواهد به جای واژه «عرق خور» از واژه «کنیاک و ویسکی خور» استفاده کند تا هم بار منفی واژه عرق خور کم‌تر شود و هم به نوعی پز داده باشد: «مادرم می‌گوید پدرت عرق نمی‌خورد، کنیاک و ویسکی می‌خورد. یعنی می‌گوید: حالا که می‌خواهی بنویسی پدرت مشروب می‌خورد، نوع گرانش را بنویس. فکر کنم او حتی توی مشروب خوردن هم می‌خواهد پز بدهد. بگوید امیرزا احمد پاپلی عرق خور نبود، کنیاک و ویسکی خور بود» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۶-۷).

ب. ۲. واژگان رسمی

۱- **نصف، نصف جهان:** در سفرنامه مورد بررسی، بیش‌تر واژگان رسمی هستند و هدایت با استفاده از آن‌ها شکوه تمدن ایرانی را نشان داده است: «چهل‌ستون را می‌شود موزه خوبی که نماینده آثار زمان صفویه باشد، ترتیب بدهند؛ به این معنی که همه آثار بازمانده صفویه را از قالی، لباس و غیره در آنجا جمع‌آوری بنمایند و به رنگ و روی آن زمان بیارایند، و با ترتیب یک موزه حسابی می‌توانند بیش از خرج خودش عایدی داشته باشند» (هدایت، ۱۳۹۳: ۶۵). هدایت در این بند با استفاده از کلماتی مانند: «ترتیب بدهند، جمع‌آوری بنمایند، بیاراند، عایدی داشته باشد» که کاملاً رسمی هستند، سعی در القای شکوه هنر و تمدن ایرانی دارد.

۲- **صفیر سیمرغ:** واژگان بکاررفته در این اثر از نوع واژگان رسمی هستند. ندوشن با استفاده از این واژگان رسمی که گاه بسیار هم شکوهمند هستند، به ستایش فرهنگ و تمدن ایرانی پرداخته است: «دمدمه‌های اردیبهشت، اصفهان چون شاهزاده افسون‌شده

افسانه است که طلسمش را شکسته‌اند و آرام آرام از خواب بیدار می‌شود. شکوفه‌های به بادام، رؤیاهای پرپر شده اویند و بید مجنون، معشوقه‌ای که زلف‌های خود را بر او افشانده است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۲۰۵).

۳- شازده حمام: بیش‌تر جملات این کتاب با واژگانی رسمی نوشته شده‌اند. پاپلی یزدی با استفاده از این واژگان رسمی، تغییر و تحولات زندگی سنتی به زندگی مدرن را توضیح می‌دهد: «سال ۱۳۴۷-۴۸ زندگی به روال هزار سال قبل خود ادامه داشت. اندک تغییراتی در آن بود، صداقت و راستی و ایمان هم مثل هزار سال قبل خودش جریان داشت. در سال ۱۳۹۰ وقتی کنار چادر عشایری، آنتن ماهواره‌ای را دیدم، معلوم شد که اوضاع عوض شده است. وقتی در چادر عشایری با کمک برق گرفته شده از شبکه برق سراسری تلویزیون می‌بینیم، معلوم است که اوضاع عوض شده است. وقتی می‌بینیم بعضی از دامداران سلحشور، عاشق کانال فارسی وان شده‌اند، معلوم است که اوضاع دگرگون شده است» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۳۷۶).

ج. ارزش‌های بیانی

بنا بر نظر فرکلاف، ارزش بیانی کلمات، همواره مورد توجه افراد علاقه‌مند به زبان اقناعی است (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۸۲). در این بخش، بحث بر سر این است که از کدام استعاره‌ها در متن استفاده شده است. در اینجا منظور از استعاره، مفهوم زبان‌شناختی آن است که نوعی ساخت تشبیهی یا اسنادی است که به شکل «A, B است»، در ذهن ثبت شده است. این قاعده‌ها یا استعاره‌های مفهومی، ساخت‌هایی ذهنی، نظیر خشم گرما است و غیره هستند (صفوی، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

۱- سفرنامه هدایت: در این کتاب، چندین مورد استعاره مفهومی با بار ایدئولوژیک و گفتمان ناسیونالیسم باستان‌گرایانه وجود دارد؛ از جمله در این بند: «چیزی که باید از آن جلوگیری بشود خطر تریاک، الکل و ناخوشی است. نفوذ زیاد روحانیون، مانع از پیشرفت جوانان شده و مردم را به غم و غصه و سوگواری واداشته بود» (هدایت، ۱۳۹۳: ۶۰). هدایت «نفوذ زیاد روحانیون» را با نفوذ خطر تریاک، الکل و ناخوشی، برابر دانسته و آن را در مفهوم یک بیماری به کار برده است. این دیدگاه بدین دلیل است که «هدایت

چون بسیاری از جوانان نسل خویش، دچار نوعی وطن‌پرستی افراطی بود. او همچنین مانند بسیاری از ملی‌گرایان کج‌فهم که هیچ‌گونه توجهی به فرایند تاریخی و علل و اسباب اقتصادی و سیاسی نداشتند، کوشید تا همه گناهان را به گردن اسلام و فتح عرب بیندازد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

۲- صفیر سیمرغ: در این کتاب، چندین مورد استعاره مفهومی وجود دارد؛ استعاره‌هایی که در مذمت فرهنگ غرب و ستایش فرهنگ بومی آورده شده است. برای نمونه در عبارت «در واقع دانمارک تنها کشوری است که همه حجاب‌های جنسی را از میان برداشته است و خود را به صورت کعبه «سکس‌ورزان» درآورده است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۶۰)، از استعاره مفهومی «حجاب‌های جنسی» استفاده شده است و نویسنده در آن سکس را به صورت زنی تصور کرده که همواره باید در پوشیدگی و حجاب باشد ولی فرهنگ منحط غرب، این حجاب و پوشیدگی را کنار زده و آن را عریان کرده است. از آنجا که صفیر سیمرغ با زبانی ادبی تألیف شده، کاربرد استعاره مفهومی در آن قابل توجه است.

۳- شازده حمام: نمونه‌هایی از کاربرد استعاره در این متن استفاده شده است: «آن‌ها که مدیریت و تکنولوژی غربی را با فرهنگ اصیل و اسلامی مخلوط کردند، آدم‌هایی با آلیاژ سخت‌تر از فولاد تحویل جامعه دادند» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۱۳۴). نویسنده در عبارت بالا با استفاده از استعاره «آلیاژ سخت‌تر از فولاد»، آدم‌هایی را که فرهنگ اصیل بومی را به خوبی با تکنولوژی مدرن ترکیب کردند، ستایش می‌کند. در واقع استعاره این آدم‌ها "آدم‌هایی که تکنولوژی غربی را با فرهنگ اصیل مخلوط کردند"، مانند آلیاژ سخت‌تر از فولاد هستند، استعاره‌ای برای ستایش از ترکیب و تلفیق موفق دو گفتمان سنتی و مدرن است.

۲. سطح دستور زبان

در بررسی بخش توصیف در سطح دستور زبان نیز همچون توصیف واژگانی به ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی ویژگی‌های دستوری پرداخته می‌شود. علاوه بر این ارزش‌های پیوندی نیز در سطح دستور زبان حائز اهمیت هستند.

الف. ارزش‌های تجربی

جنبه‌های تجربی دستور با روش‌هایی سر و کار دارد که به موجب آن‌ها «صورت‌های دستوری یک زبان به رمزگذاری اتفاقات یا روابط در جهان، انسان‌ها یا حیوانات یا اشیایی که در این اتفاقات یا روابط دخیل هستند و شرایط زمانی و مکانی، نحوه وقوع آن‌ها و دیگر موارد می‌پردازد» (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۸۴). در این مرحله، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند: ۱- چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ ۲- آیا از کنش‌گری نامشخص است؟ ۳- آیا فرایندها همان‌هایی هستند که به نظر می‌رسند؟ ۴- آیا از فرایند اسم‌سازی استفاده شده است؟ ۵- جملات معلوم هستند یا مجهول؟ ۶- جملات مثبت هستند یا منفی؟ (همان: ۱۷۰)

الف.۱. مشارکین

۱- **اصفهان، نصف جهان:** در سفرنامه اصفهان، نصف جهان، چند نوع مشارک وجود دارند: ۱- راوی (صادق هدایت) ۲- مردم ایران و اصفهان ۳- اعراب و مسلمانان ۴- بناها و آثار تاریخی اصفهان. مشارک اول یعنی صادق هدایت در سراسر سفرنامه، نسبت به مشارکین سوم و چهارم، یعنی مردم ایران قدیم و اصفهان و بناها و آثار تاریخی آن‌ها جهت‌گیری مثبت و نسبت به اعراب و مسلمانان جهت‌گیری منفی دارد. نمونه‌هایی از رویکرد مثبت را در این بند می‌توان یافت: «روحیه اصفهانی، امروزه از موضوع همین عشق و عاشقی‌ها و عکس‌های چهل‌ستون الهام شده؛ چون بیش‌تر مردم، روزهای جمعه را در بیشه کنار رودخانه با ساز و باده و مه‌رو می‌گذرانند» (هدایت، ۱۳۹۳: ۶۴). بندهای «شاید هجوم عرب به ایران به طمع سوسمار بوده است» (همان: ۵۳)، «در مجلس عروسی، آخوندها مردم را وادار می‌کرده‌اند که روضه بخوانند» (همان: ۶۰) نیز نمونه‌هایی از جهت‌گیری منفی نسبت به مشارکین عرب و مسلمان است.

۲- **صفیر سیمرغ:** در این سفرنامه، دو نوع مشارک وجود دارد: غربی‌ها و شرقی‌ها. غربی‌ها شامل کشورهای اروپایی و آمریکایی هستند. نویسنده به جنبه‌های به زعم خود بد و زشت فرهنگ غربی حمله می‌کند و آن‌ها را تقبیح می‌کند: «از یکی از بازیگرها پرسیدند که نظرش راجع به تعویض همسر و تمتع گروهی چیست؟ جواب داد که "این

هم نوعی سوسیالیسم است. اگر در آن هر کسی به سهمی که مستحقش هست، برسد، چه عیبی دارد؟" و همه این کلمات با سادگی وحشتناکی ادا می‌شد، برای آن‌ها آنچه معنی داشت، پول بود و پول «اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۷۷». مشارک دوم سفرنامه صفیر سیمرغ، شرقی‌ها (مردم ایران، افغانستان، ترکیه و فرهنگ و تمدنشان) هستند. برای مثال، او مردم افغانستان را به خاطر رفتار پرمحبتشان می‌ستاید (همان: ۵۲).

۳- شازده حمام: در این اثر، یک نوع مشارک وجود دارد که آن هم ایرانی‌ها هستند. البته این ایرانی‌ها خود به دسته‌ها و گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. نویسنده در خاطرات خود شرح مشاهدات خود از اقشار و گروه‌های گوناگون ایرانی اعم از زنان خانه‌دار و خان‌ها و کارمندان تا کسبه خورده‌پا و قشر مرفه جامعه را توصیف کرده است. نکته مشترک میان تمام مشاهدات او از این اقشار مختلف، تحول زندگی آن از زندگی سنتی به زندگی مدرن و تناقضات آن‌ها در جریان این تحول است. او در خاطراتش از دهه ۴۰ شمسی به وضعیت اقشار کم‌درآمد و فقیر جامعه و تحولی که آرام آرام پس از گران شدن قیمت نفت و شروع شهرنشینی آغاز می‌شود، اشاره می‌کند.

الف. ۲. فرایندهای فعلی

فرایندهای فعلی، شامل سه دسته کنشی، رخدادی و توصیفی است. افعال کنشی، دارای دو مشارک هستند و همین امر، داد و ستدهای فعلی و کنشی متن را بیش‌تر می‌کند. این افعال، پویاترین و متحرک‌ترین اتمسفر روایی را ایجاد می‌کنند که این امر با وجود فاعل و مفعول یا متمم محقق می‌شود. برخی از نمونه‌های این افعال عبارت‌اند از فرستادن، بستن، عفو کردن، گفتن، دیدن و... در افعال توصیفی (مسند الیه، مسند و رابطه)، نویسنده فقط بودن‌ها و شدن‌ها را توصیف می‌کند. در افعال رخدادی، حذف فاعل و جایگزینی مفعول، پویایی و تحرک را می‌کاهد و باز هم گفتمان حالتی گزارش‌گونه از حوادث و رخدادهاست.

۱- اصفهان، نصف جهان: اغلب فرایندهای موجود در این سفرنامه از نوع فرایندهای کنشی هستند و هدایت با استفاده از این نوع فرایند، اطلاعاتی جامع و کامل در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

در جمله «این درخت که ایرانیان قدیم به آن‌ها احترام می‌گذاشتند...» (هدایت، ۱۳۹۳: ۶۷)، ایرانیان قدیم به صورت مشارکین مثبت، دارای کنش مثبت در برخورد با طبیعت هستند. فرایند کنشی در بند نیز روایت‌گر کنش منفی اعراب است: «عرب‌ها که پابره‌نه دنبال سوسمار می‌دویدند، فکر صنعتی نمی‌توانسته در کله‌شان رسوخ پیدا بکند» (همان: ۷۰).

۲- صفیر سیمرغ: فرآیندهای موجود در این اثر نیز با توجه به ژانر و زاویه دانای کلی راوی، از گونه کنشی است. البته در برخی از جملات نیز مخاطب با وجه وصفی مواجه است. مانند «مقبره‌های شاهان و شاهزادگان عثمانی... همه در سبک مخلوط رومی- اسلامی ساخته شده‌اند» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۱۴۳ و ۱۴۴).

۳- شازده حمام: فرآیند غالب موجود در این اثر نیز کنشی است و راوی/نویسنده، کنش افراد و کنش‌گران مختلف را گزارش می‌کند. این فرایند، گاه با توصیفی (است/بود/شد/گشت و گردید) همراه شده است: «نام شوهر خیر نسا رجب بود. برای خان کار می‌کرد. هر کاری می‌گفتند، می‌کرد. بیش‌تر کارش در زمستان‌ها بود. موقع زایش گوسفند، او سرشناس بود. یعنی کسی که بره و بزغاله را می‌شناسد. می‌داند مادر بره و بزغاله کدام است. بره‌ها و بزغاله‌ها را در چاله‌ها جمع می‌کرد. آن‌ها را نگهداری می‌کرد. آن‌ها را پیش مادرشان می‌برد تا شیر بخورند» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۳۱۸).

الف. ۳. کنش‌گری

۱- اصفهان، نصف جهان: سفرنامه اصفهان، نصف جهان، کنش‌گری مشخص است. وقتی که کنش‌گر، یک عرب یا مسلمان باشد، کنش به صورت منفی می‌آید و وقتی کنش‌گر، یک ایرانی یا اصفهانی باشد، کنش به صورت مثبت است. بند «نفوذ زیاد روحانیون، مانع از پیشرفت جوانان شده» (هدایت، ۱۳۹۳: ۶۰)، نمونه‌ای از کنش‌گری منفی است. در جمله «پایین این پرده‌ها نقاشی‌های کوچک دیگر از زیر گچ درآورده‌اند که اغلب آن‌ها بی‌اندازه قشنگ و پیداست که کار استادان زبردست می‌باشد» (همان: ۶۲)، با کنش‌گری مثبتی، منتسب به ایرانیان مواجه هستیم. در مجموع در سفرنامه اصفهان، نصف جهان، فرایندها همان چیزهایی هستند که به نظر می‌آیند و نویسنده، فرایندهای

منفی را با بیانی مستقیم به اعراب و مسلمانان و فرایندهای مثبت را نیز با بیانی مستقیم به ایرانی‌ها نسبت داده است.

۲- **صفیر سیمرغ:** در این سفرنامه، کنش‌گری مشخص و در بیش‌تر مواقع برای غربی‌ها به صورت منفی آمده است: «کسانی هستند که تا صبح در این خیابان‌ها می‌پلکند. "کوی پیادگان" تنها محله‌ای است در کپنهاگ که خواب ندارد. بیش‌تر مغازه‌های "پورنو" هم برای خدمت به نوع تا صبح باز هستند؛ تا اگر کسی روز فرصت نکرد، شب از دستش نرود» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۷۰). در این اثر، کنش شرقی‌ها همیشه به صورت مثبت آمده است: «هنوز در این کشور (افغانستان) کم نیستند کسانی که غریبه‌ها را بی‌ریا به مهمانی دعوت می‌کنند (کما اینکه در قسمت‌هایی از ایران هم هنوز این روش هست) هنگامی که من با اتومبیل از کاخ به بلخ می‌رفتم، چند افغانی با من همسفر بودند که همگی رفتار محبت‌آمیز داشتند» (همان: ۵۲).

۳- **شازده حمام:** در این اثر، نوعی کنش‌گری مشخص است. پاپلی یزدی کنش‌های افرادی را که گرفتار تضاد زندگی بین گفتمان سنتی و گفتمان مدرن هستند، به صورت منفی توصیف کرده است. او از فرهنگ چشم و هم‌چشمی و پز دادن و کنش سنتی افرادی که زندگی مدرنی دارند، به شدت انتقاد کرده است: «این فرهنگ در حال گسترش است؛ فرهنگ پز دادن. عروسی‌ها، مراسم کفن و دفن و ختم را ببینید. عروسی‌ها و مراسم ختم حالا مظهر پز دادن و تازه به دوران رسیدگی است» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). او کنش افرادی را که توانستند فرهنگ سنتی را با گفتمان مدرن ترکیب کنند و به یک تعادل فرهنگی رسیده‌اند، به صورت مثبت آورده است: «آقای حسین گرجی از قبل از انقلاب در انگلستان مستقر شد. او نمونه عالی و کامل یک یزدی است» (همان: ۱۹۹).

الف. ۴. اسم‌سازی

۱- **اصفهان نصف جهان:** «بسیاری از اوقات در بیان انجام عمل توسط فعل از مصدر یا حاصل مصدر و یا به تعبیر دیگر از عبارت اسم‌شده جمله یا فعل استفاده می‌کنیم؛ مثلاً به جای «مهدی، حسن را دیروز کشت و من ناراحت شدم»، می‌گوییم: «کشته شدن

حسن مرا ناراحت کرد» (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). استفاده از این تکنیک زبانی، سبب کوتاه شدن جملات و افزایش سرعت خوانش متن و پرهیز از رخوت و خستگی مخاطب می‌شود. ضمن اینکه جمله تبدیل شده به اسم، نقطه ثقل و موضوع محوری محسوب می‌شود و آن را در نظر مخاطب برجسته می‌کند. این تکنیک در برخی موارد در سفرنامه هدایت آورده شده است. برای مثال در بند «نفوذ زیاد روحانیون مانع از پیشرفت جوانان شده» (هدایت، ۱۳۹۳: ۶۰)، جمله به این صورت باید باشد: «روحانیون نفوذ زیادی در بین جوانان دارند و این نفوذ زیاد مانع از پیشرفت جوانان شده است».

۲- **صغیر سیمرغ:** در این اثر، نمونه‌هایی از اسم‌سازی دیده نمی‌شود؛ این امر می‌تواند به دلیل بیان ادبی نویسنده باشد که جملات را در کامل‌ترین ساختار دستوری و جهت اقناع کامل مخاطب با زبانی ادبی ترسیم کرده است.

۳- **شازده حمام:** نویسنده در این کتاب، نمونه‌هایی از اسم‌سازی به کار برده است: مثل واژه «بهکده» در عبارت زیر: «بهکده، درمانگاه مجهزی داشت. یک پزشک، سه خواهر روحانی فرانسوی و چند پرستار ایرانی هم بودند... سه نفر از خود بهکده، بر اثر ذات‌الریه مرده بودند» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۴۳۴). یا «جو دادن» در بند «هنوز جو دادن به گوسفندان به‌طور عام رسم نبود، زمستان گوسفندها خیلی کار داشتند» (همان: ۳۱۸). استفاده از اسم‌سازی، سبب کوتاه شدن طول جمله و افزایش سرعت خوانش متن می‌شود؛ ضمن اینکه نقطه محوری و پرفشار جمله به لحاظ بارمعنایی، تبدیل شده به اسم است که با این تکنیک به‌طور ویژه‌ای برجسته و متورم شده است.

الف. ۵. معلوم و مجهول

۱- **اصفهان، نصف جهان:** اغلب جملات این اثر، معلوم هستند که این امر متأثر از ژانر اثر است؛ زیرا در سفرنامه، نویسنده آنچه را که از آن اطلاع یافته و برایش معلوم و آشکار شده، گزارش می‌کند؛ البته گاه نیز از مجهولات سخن می‌گوید که موارد آن بسیار اندک است. برای مثال در بند «در کارخانه قالی‌بافی ایشان، قالی‌های با سلیق‌های درست شده» (هدایت، ۱۳۹۳: ۶۵)، فاعل حذف و جمله مجهول است.

۲- **صفیر سیمرغ:** در این کتاب بیش تر جملات معلوم هستند که این امر متأثر از ژانر اثر و متناسب با زاویه دانای کلی راوی/نویسنده گزارش گر است.

۳- **شازده حمام:** در این کتاب، بیش تر جملات، معلوم هستند و نویسنده در این جملات، زندگی سخت و پرمشقت اقشار سنتی جامعه ایران در دهه ۴۰ شمسی را به تصویر کشیده است.

۳. ارزش‌های رابطه‌ای

در مرحله بررسی ارزش‌های رابطه‌ای دستوری، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی، امری) استفاده شده است و آیا ویژگی‌های مهم وجهیت رابطه‌ای وجود دارند؟ (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

الف. وجه فعل

وجه فعل، صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنی، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۲۸۱). از این دیدگاه، تمامی متون دارای وجه هستند و یک وجه در آن‌ها از سایر وجوه، بسامد کاربرد بیش‌تری دارد. فرکلاف، سه وجه اصلی را خبری، پرسشی، دستوری و امری می‌داند (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۹۱).

۱- **اصفهان، نصف جهان:** متناسب با ژانر اثر و زاویه دید روایت، بیش تر جملات در این سفرنامه وجه خبری دارند و هدایت با استفاده از این وجه، تمام اطلاعات لازم را به مخاطب ارائه می‌کند.

۲- **صفیر سیمرغ:** بیش تر جملات این سفرنامه با وجه خبری نوشته شده‌اند. ندوشن با استفاده از این وجه، تمام دیده‌ها و مشاهدات خود از سرزمین‌های مختلف را بیان کرده است.

۳- **شازده حمام:** جملات این کتاب با وجه خبری نوشته شده‌اند و پاپلی یزدی با استفاده از این وجه، خاطرات خود از اقشار مردم ایران را به تصویر کشیده است.

ب. وجهیت

به اعتقاد فرکلاف، «در صورتی که مسأله اقتدار یکی از مشارکین در رابطه با دیگران مطرح باشد، ما از وجهیت رابطه‌ای سخن می‌گوییم» (همان: ۱۹۳). در وجهیت رابطه‌ای از افعال کمکی استفاده می‌شود و اقتدار و تدبیر و تردید و... را می‌نمایاند.

۱- **اصفهان، نصف جهان:** وجهیت رابطه‌ای در این اثر، کاربردی ندارد و باید‌ها و نباید‌ها و شایدها و توانستن‌ها نقشی در بازنمودن اقتدار مشارکین ندارد.

۲- **صفیر سیمرغ:** در این اثر، وجهیت رابطه‌ای کاربردی نیافته و متن، حالتی گزارش‌گونه از زبان نویسنده دارد و باید‌ها و نباید‌ها و احتمالات نیز از زبان وی مطرح شده که کارکرد بیانی دارد.

۳- **شازده حمام:** در این اثر، نمونه‌های اندکی از وجهیت رابطه‌ای را می‌توان یافت؛ باید‌ها و نباید‌هایی که اقتدار یکی از مشارکین را نسبت به دیگری یا دیگران می‌نمایند تا ایدئولوژی روایت به خواننده انتقال یابد. بند زیر از نمونه‌های این کاربرد است: «حسن آقا خیلی خسیس بود. طوری خرید می‌کرد که وقتی خودش خانه نبود، هیچ چیز از قند و چای، نخود و لوبیا، عدس، ماش، نفت در خانه نبود. فاطمه جان باید منتظر می‌ماند تا حسن آقا به خانه بیاید» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۱۸۳). در این بند، فعل کمکی باید که اجبار و الزام را می‌رساند، اقتدار حسن آقا را نسبت به فاطمه جان می‌نمایاند.

۴. ارزش‌های بیانی

پرسش‌های مهمی که در بررسی ارزش‌های بیانی دستوری هر متن مطرح می‌شوند، عبارت‌اند از اینکه ویژگی‌های دستوری، واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند و اینکه آیا ویژگی‌های مهم وجهیت بیانی در متن موجود است؟ (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۷۱). در واقع اگر مسأله اقتدار گوینده یا نویسنده در رابطه با احتمال یا صدق بازنمایی واقعیت مطرح باشد، با وجهیت بیانی سر و کار داریم.

۱- **اصفهان، نصف جهان:** وجهیت بیانی، کاربردی نسبی در این سفرنامه دارد؛ به این دلیل که نویسنده، بیش‌تر در تلاش است تا دیده‌ها و شنیده‌های قطعی‌اش را توصیف کند و چندان در پی نمودن اقتدار خود نیست.

در بند «می‌گویند ظل السلطان، اغلب بند آب را بسته و با حرم خودش قایقرانی می‌کرده و دستور می‌داده که آتش‌بازی کنند. شاید آن را از نظر فلاحتی درست کرده باشند تا در موقع کمی آب به بلندی هم سوار بشود» (همان: ۷۵)، فعل کمکی شاید، نماینده حضور فعال و متفکر نویسنده در متن و اظهار نظر احتمالی وی درباره مسأله مورد اشاره است.

۲- صفیر سیمرغ: صفیر سیمرغ به دلیل اینکه به صورت خبری و گزارشی از زبان نویسنده نقل می‌شود و گفت‌وگو و نقل قول مستقیم، کاربردی در آن ندارد، وجهیت بیانی، بر خلاف وجهیت رابطه‌ای در آن برجسته است. این بند نمونه‌ای از این نوع کاربرد است: «در حیات یک ملت، مهم نیست که چند جرم جنسی در سال کم‌تر یا بیش‌تر اتفاق بیفتد، مسأله اصلی این است که برداشتن موانع جنسی بر سر هم چه تأثیری در جامعه می‌گذارد. پس باید موضوع اینطور مطرح شود که جامعه‌ای که سیاست "درهای باز" را در امر جنسی پذیرفته است، آیا رو به سعادت و پیشرفت می‌رود یا رو به انحطاط» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۵: ۹۷).

در بند بالا نویسنده پس از طرح مسأله آزادی جنسی، در قالب سؤالی که به وجهیت بیانی برجسته شده، ذهن مخاطب را به چالش و درنگ واداشته است.

۳- شازده حمام: در این سفرنامه، میزان کاربرد وجهیت بیانی چندان چشمگیر نیست و نویسنده تا حد ممکن از بیان بایدها و شایدها و احتمالات پرهیز کرده و روایتی گزارشگون را از زاویه دید دانای کل در اختیار مخاطب قرار داده است. یکی از نمونه‌های کاربرد وجهیت بیانی در این بند است: «اگر کسی درست و حسابی روی این‌ها کار کند، می‌تواند نظریه‌های استبداد شرقی یا دور تسلسل شرقی را زیر سؤال ببرد» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۳۰۴). در این بند نویسنده با فعل کمکی توانستن، احتمال رویدادی را بیان کرده است.

نتیجه بحث

در سفرنامه، نویسنده در توصیف دیده‌ها، شنیده‌ها، تجربیات، رخدادها و احساسات‌اش از تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی و ایدئولوژیک و... تأثیر

فراوانی گرفته و متقابلاً نیز بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این دسته از آثار، روایت‌گر و ترسیم‌کننده ایدئولوژی نویسنده خود در مواجهه با نظام قدرت است و از این روی می‌توان آن‌ها را به عنوان گفتمانی انتقادی از دیدگاه فرکلاف تحلیل کرد. از میان بخش‌های سه‌گانه الگوی تحلیل انتقادی، سطح توصیف به بررسی ویژگی‌های زبانی آثار در دو بخش واژگان و دستور زبان می‌پردازد، و از طریق آن می‌توان ویژگی‌های زبانی یک ژانر و نیز ویژگی‌های سبکی و ایدئولوژیک نویسنده را از آن‌ها دریافت. با توجه به این رویکرد، نتایج حاصل از این مقاله، در پاسخ به سؤالات پژوهشی مطرح در بخش مقدمه به ترتیب زیر است:

۱- از میان ویژگی‌های توصیفی که در سطح دستور زبان مطرح است، سه مورد معلوم و مجهول بودن، وجه فعل و فرایند فعل، نماینده ژانر آثار است. در سه سفرنامه معاصر، افعال معمولاً معلوم هستند که این به دلیل اطلاعات نویسنده بر دیده‌ها و شنیده‌هایی است که آن را نقل می‌کند. در این آثار، متناسب با ژانر، غلبه با وجه خبری است و در نهایت اینکه از میان فرایندهای سه‌گانه، فرایند کنشی بیش از توصیفی و رخدادی کاربرد دارد که این امر نیز به دلیل حضور کنش‌گران متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و... در متن روایت است.

۲- به جز سه مورد بالا، سایر ویژگی‌های واژگانی و دستوری در این سه اثر، نماینده سبک شخصی نویسنده و در خدمت بسط ایدئولوژی وی است؛ بدین ترتیب که:

- هر سه نویسنده، دیدگاهی تقابلی دارند و متناسب با این دیدگاه، کنش‌گران آثارشان نیز در دو جبهه مخالف قابل تقسیم هستند، و عبارت‌بندی دگرسان نیز تکنیکی واژگانی در جهت بسط و تکمیل همین دیدگاه ایدئولوژیک و تقابلی است.

- هر سه تا حد ممکن از روابط معنایی (شمول، تضاد و هم‌معنایی)، برای بسط دیدگاه‌های خود بهره برده‌اند و تمایز قابل توجهی میان سه اثر در این زمینه وجود ندارد.

- واژگان در هر سه اثر، رسمی است اما هدایت، زبان رهاتر و آزادتری دارد و گاه از واژگانی که چندان نیکو نیستند استفاده کرده است؛ درحالی که استفاده از حسن تعبیر، نماینده سبک شخصی دو نویسنده دیگر در لزوم تنقیح زبان است. برجستگی ادبیت

کلام در صفیر سیمرغ، کاربرد استعاره مفهومی را در این اثر، برجسته‌تر از دو متن دیگر ساخته است.

- فرایند اسم‌سازی که سبب برجسته شدن جمله اسم‌شده و متمرکز شدن ذهن خواننده بر آن می‌شود، کاربردی معمول و متعارف در هر سه اثر دارد.

- در اصفهان، نصف جهان و صفیر سیمرغ، کنش‌گران با یکدیگر ارتباط پویا و زنده‌ای ندارند و از نقل قول مستقیم که سبب چندصدایی در متن می‌شود، استفاده چندانی نشده و بنابراین وجهیت رابطه‌ای نیز که استفاده از فعل کمکی از جانب مشارکین است، کاربرد قابل ملاحظه‌ای نیافته است؛ در حالی که این ویژگی دستوری در شازده حمام برجسته‌تر است و کنش‌گران، باید‌ها و نباید‌ها و شاید‌ها و نشاید‌هایی را در متن روایت مطرح نموده‌اند.

- وجهیت بیانی که عبارت است از استفاده از افعال کمکی از جانب نویسنده و ترسیم گر خطوط ایدئولوژیک وی و اظهار نظرهایش در متن روایت است، در هر سه اثر، کاربردی معمول و متعارف دارد و می‌توان رد پای نویسندگان را در بخش‌های مختلف دید و نظرات شخصی و ایدئولوژیک آن‌ها را شنید.

کتابنامه

- احمدپناه. ۱۳۹۵ش، کارورزی پژوهشی: سفرنامه نویسی، جامعه المصطفی العالمية، مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. ۱۳۵۷ش، صغیر سیمرغ، تهران: توس.
- آشوری، داریوش. ۱۳۹۲ش، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- بروجردی، مهرزاد. ۱۳۹۶ش، روشنفکران ایرانی و غرب؛ سرگذشت نافرجام بومی گرایبی، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: فرزانه روز.
- بهیان، شاپور. ۱۳۹۴ش، چکامه گذشته؛ مرثیه زوال، تهران: چشمه.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. ۱۳۹۵ش، خاطرات شازده حمام، ج ۳، تهران: انتشارات پاپلی و گوتنبرگ.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۹۰ش، ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت الله اصیل، تهران: نی.
- صفوی، کورش. ۱۳۹۶ش، استعاره، تهران: علمی.
- فرشیدورد، خسرو. ۱۳۸۲ش، دستور مفصل امروز، تهران: سخن.
- فرکلاف، نورمن. ۱۳۸۹ش، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مسکوب، شاهرخ. ۱۳۷۳ش، داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع، چاپ اول، تهران: فرزانه روز.
- هدایت، صادق. ۱۳۹۳ش، اصفهان نصف جهان، با مقدمه محمد بهارلو، تهران: به نگار.
- یارمحمدی، لطف الله. ۱۳۹۳ش، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.

کتاب انگلیسی

- Calzati Stefano. 2015. Travel Writing on the Edge: An Intermedial Approach to Travel Books and Travel Blogs. University of Leeds (UK). ACTA UNIV. SAPIENTIAE, FILM AND MEDIA STUDIES, 10: 153-168
- Fussell, Paul. 1980. Abroad: British Literary Travelling between the Wars. Oxford: Oxford University Press.

مقالات

- احمدی، اصغر و دیگران. ۱۳۹۳ش، «تحلیل گفتمان سیاسی رمان تنگسیر صادق چوبک»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۳۶، صص ۱۳۰-۹۵.
- آقاگل‌زاده، فردوس. ۱۳۸۶ش، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، ادب‌پژوهی، ش ۱، صص ۱۷-۲۷.

- بیات، حسینعلی و جمیله یوسفی. ۱۳۹۴ش، «روند بازنمایی هویت خودی و دیگری در تاریخ بیهقی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، ش ۲۶، صص ۳۱-۶۱.
- پرستش، شهرام و فائزه ساسانی‌خواه. ۱۳۸۹ش، «بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴»، زن در فرهنگ و هنر، دوره اول، ش ۴.
- جوادی یگانه، محمدرضا و سید محمدعلی صفی. ۱۳۹۲ش، «روایت زنانه از جنگ؛ تحلیل انتقادی کتاب خاطرات دا»، نقد ادبی، ش ۲۱، صص ۸۵-۱۱۰.
- جهانگیری، جهانگیر و علی بندرریگی زاده. ۱۳۹۲ش، «زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف به تحلیل گفتمان»، ش ۱۴، صص ۵۷-۸۲.
- حدادی، الهام و دیگران. ۱۳۹۱ش، «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف»، نقد ادبی، ش ۱۸، صص ۲۵-۵۰.
- حسین‌پناهی، فردین. ۱۳۹۰ش، «بررسی تقابل حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی بر مبنای تحلیل گفتمان»، جستارهای ادبی، ش ۱۷۳، صص ۹۹-۱۲۲.
- رحیمیان، جلال و فرشته محمدپور. ۱۳۹۷ش، «تحلیل گفتمان انتقادی شخصیت زنان در داستان مالیخولیای محبوب من»، مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، س ۱۲، ش ۴۸، صص ۲۰۵-۲۲۴.
- سعیدنیا، گلرخ. ۱۳۸۸ش، «زبان و جهانی شدن؛ نورمن فرکلاف»، زبان و زبان‌شناسی، ش ۱۰، صص ۱۸۱-۱۸۶.
- فقیه ملک‌مرزبان، نسرین و مرجان فردوسی. ۱۳۹۳ش، «تحلیل انتقادی گفتمان صوفیانه»، کهن‌نامه ادب پارسی، س ۵، ش ۳، صص ۸۸-۱۲۱.
- محسنی، محمدجواد. ۱۳۹۱ش، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»، نشریه معرفت، سال سوم، ش ۳، صص ۶۳-۸۶.
- ناصری، زهره سادات و دیگران. ۱۳۹۴ش، «تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ بونصر مشکان بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف»، علم زبان، سال سوم، ش ۴، صص ۸۵-۱۱۰.

Bibliography

- Ashouri, D. (2013). Political Encyclopedia. Tehran: Morvarid.
- Aghagolzadeh, F. (2007). Critical Discourse Analysis and Literature. Literary Studies. 1: 17-27.
- Ahmad Panah. (2016). Research internship: Travelogue writing. Al-Mustafa Al-Alamieh Society. Bentolhoda Institute of Higher Education. hoda.miu.ac.ir.

- Ahmadi, A. and others. (2014). Political Discourse Analysis of the Tangsir Novel by Sadegh Chubak. *Cultural and communication studies*, 36: 95-130.
- Calzati Stefano. (2015). *Travel Writing on the Edge: An Intermedial Approach to Travel Books and Travel Blogs*. University of Leeds (UK). *ACTA UNIV. SAPIENTIAE, FILM AND MEDIA STUDIES*, 10: 153-168
- Eslami Nodoshan, M.A. (1978). *The Calling of the Simurgh*. Tehran: Toos.
- Boroujerdi, M. (2017). *Iranian intellectuals and the west: the fatal history of nativism*. Translated by Jamshid Shirazi. Tehran: Farzan Rooz.
- Bahian, Sh. (2015). *Past elegy: deterioration elegy*. Tehran: Cheshmeh.
- Bayat, H.A. and Yousefi, J. (2015). The Process of Representing Self and Other Identity in Beyhaghi History. *Cultural history studies*, 26: 31-61.
- Fussell, Paul. (1980). *Abroad: British Literary Travelling between the Wars*. Oxford: Oxford University Press.
- Papoli Yazdi, M.H. (2016). *The Prince of the Public Bath (Volume 3)*. Tehran: Papoli and Gutenberg Publications.
- Parastesh, Sh. and Sasanikhah, F. (2010). Representation of Gender in the Discourse of the Novel from 1996 to 2006. *Woman in art culture*, first round, No. 4.
- Hussein Panahi, F. (2011). Investigating the Conflict of Truth and Reality in Beyhaghi History Based on Discourse Analysis. *Literary queries*, 173: 99-122.
- Javadi Yeganeh, M.R. and Sahfi, M.A. (2013). The narrative of the book of war: A critical analysis of the book of the memoirs of Da. *Literary criticism*, 21: 85-110.
- Jahangir, J. and Bandar Rigizadeh, A. (2013). Language, Power and Ideology in Norman's Critical Approach to Discourse Analysis. 14: 57-82.
- Haddadi, E. and others. (2012). Discourse and social behavior in the zero-degree novel based on the pattern of Fairclough discourse analysis. *Literary criticism*, 18: 25-50.
- Saednia, G. (2009). Language and Globalization: Norman Fairclough. *Language and Linguistics*, 10: 181-186.
- Shafiee Kadkani, M.R. (2011). *Persian literature from the age Jami to our day*. Translated by Hojatollah Asil. Tehran: Ney.
- Safavi, K. (2017). *Metaphor*. Tehran: Elmi.
- Farshdvard, Kh. (2003). *Detailed instruction of today*. Tehran: Sokhan.
- Fairclough, N. (2010). *Critical Discourse Analysis*. Translators' Group. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Faqih Malek Marzban, N. and Ferdowsi, M. (2014). The Critical Analysis of Sufi Discourse. *Ancient Persian Literature*. 5(3): 88-121.
- Rahimian, Jalal and Fereshteh Mohammadpour. (2018). A Critical Discourse Analysis of the Personality of women in my popular Melancholy Story. *Quarterly Study of Comparative Literature*, Vol 12. No 48. PPn205-224.
- Mohseni, M.J. (2012). An Investigation into the Theory and Fairclough Discourse Analysis. *Journal of Knowledge*. 3(3): 63-86.
- Maskoob, Sh. (1994). *The story of the literature and the history of the community (First Ed.)*. Tehran: Farzan Rooz.
- Naseri, Z. and others. (2015). Critical Discourse Analysis on the Death of Bunsar Moshkan based on Fairclough Approach. *Language science*. 3(4): 85-110.
- Hedayat, S. (2014). *Isfahan: half of the world*. With the introduction of Mohammad Baharloo. Tehran: Beh Negar.
- Yarmohammadi, L. (2014). *Common and Critical Discourse*. Tehran: Hermes

